## کشف ۲ هزار تن برنج احتکاری در ۲ روز

**رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا از کشف ۲ هزار و ۲۴۵ تن انواع برنج احتکاری در طرح دو روزه پلیس خبر داد.**

سردار حسین رحیمی به «جوان» گفت: همزمان با اخلال در نظم اقتصادی که به دنبال بالا رفتن قیمت برنج اتفاق افتاد، مأموران پلیس امنیت اقتصادی وارد عمل شدند.

وی ادامه داد: در جریان طرح دو روزه پلیس از ۴۹ شرکت توزیع برنج و انبار هدف بازدید به عمل آمد که در جریان این طرح، ۲ هزار و ۲۴۵ تن انواع برنج احتکاری کشف شد. وی با اشاره به اینکه شرکت‌های متخلف در رسیدگی اولیه ۹۱ میلیارد تومان جریمه شدند، گفت که محتکران بازداشت شده هم به مرجع قضایی تحویل داده شدند.

رئیس پلیس امنیت اقتصادی با هشدار به مخلان امنیت اقتصادی کشور گفت: محتکران و مجرمان اقتصادی بدانند اقدام مجرمانه آنها به منزله بازی کردن در زمین دشمن است. رئیس پلیس امنیت اقتصادی خاطرنشان کرد: هموطنان گرامی می‌توانند اخبار و اطلاعات خود در خصوص احتکار کالای اساسی و دیگر جرائم اقتصادی را با شماره تلفن ۰۹۶۳۰۰ در میان بگذارند.

## خودکشی پس از حمله آتشین به پلیس وظیفه‌شناس

**راننده وانت پراید در مشهد پس از اینکه مأمور وظیفه‌شناس پلیس راهور را به آتش کشید، خودکشی کرد.**

سرهنگ احمد کرمی اسد، رئیس پلیس‌راه راهور فراجا، گزارش داد که ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه هفته قبل، تیم گشت پلیس‌راه محور مشهد- چناران در محل دوربرگردان خانه‌سازی، مشغول بررسی وضعیت ترافیک و نظارت بر تخلفات خودروهای عبوری بود و گروهبان یکم ترابی، مأمور باسابقه این تیم، پشت فرمان خودروی گشت نشسته بود، بی‌خبر از آنکه زمان آبستن حادثه‌ای ناگوار است.

خودروی وانت پراید به دلیل رفتار مشکوک و وضعیت ظاهری غیرطبیعی، توسط تیم گشت متوقف شد. هیچ‌کس تصور نمی‌کرد توقف ساده خودرو، آغاز جنایتی شعله‌ور باشد. در یک لحظه، پیش از آنکه مأمور فرصت واکنش داشته باشد، راننده از خودرو پیاده شد، ظرفی در دست گرفت و بنزین را روی یونیفورم مأمور پاشید. لحظه‌ای بعد، جرقه‌ای کافی بود تا شعله‌ها مأمور پلیس را ببلعند.

درحالی‌که بدن گروهبان ترابی میان آتش می‌سوخت، فریادهای او سکوت جاده را درید. شهروندان عبوری با شجاعت وارد عمل شدند و با کمک آنها، آتش مهار شد و مأمور مجروح که دچار سوختگی شدید شده بود به سرعت توسط اورژانس به بیمارستان طالقانی و سپس به بیمارستان تخصصی امام رضا(ع) مشهد منتقل شد.

از همان دقایق اولیه، تحقیقات جنایی آغاز شد. راننده وانت عامل این حمله بی‌رحمانه بود که پیش از ورود پلیس به صحنه، دومین جنایت خود را کلید زد. طبق شواهد موجود، وی با بلعیدن چند قرص اقدام به خودکشی کرد. تلاش پزشکان برای نجات جان او بی‌نتیجه ماند و ساعاتی بعد در بیمارستان جان سپرد.

گزارش‌ها از بیمارستان حاکی است گروهبان ترابی در بخش سوختگی تحت مراقبت قرار دارد و حال عمومی او رضایت‌بخش اعلام شده است. رئیس پلیس‌راه استان خراسان رضوی چندین نوبت از وی عیادت کرده و روند درمان او را پیگیری می‌کند. پرونده این حمله خونین که حالا عنوان «قتل مأمور وظیفه‌شناس هنگام انجام وظیفه» و «خودکشی پس از جنایت» به خود گرفته، توسط بازرسی فرماندهی انتظامی استان و مراجع قضایی در دست بررسی است. اما یک چیز روشن است؛ این‌بار خشونت جاده‌ای مرزهای تازه‌ای را درنوردیده است.

## سارق طلایی به دام پلیس تهران افتاد

**سارقی که با دستبرد به خانه‌ای در شمال تهران میلیاردها تومان طلا و دلار سرقت کرده بود به دام پلیس افتاد.**

به گزارش «جوان»، سرهنگ داوود زندی، سرکلانتر یکم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: چند روز قبل مردی وارد کلانتری قائم شد و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. او گفت: همراه خانواده‌ام در خیابانی همین حوالی زندگی می‌کنم. چند روز قبل به سفر رفتیم و امروز که برگشتیم متوجه شدیم دزد به خانه‌ام زده و یک کیلو و نیم طلا و جواهرات، نیم کیلو شمش طلا، مقدار زیادی ارز و ۵۰ عدد سکه تمام و تعدادی از اسناد نیز سرقت شده است. بعد از مطرح شدن این شکایت، مأموران پلیس با حضور در محل، صحنه جرم را بررسی کردند. آنها همچنین دوربین‌های مداربسته ساختمان و ساختمان‌های اطراف را بررسی کردند و موفق شدند، چهره متهم را به دست آوردند و او را شناسایی کنند. در شاخه دیگری از بررسی‌ها، مأموران موفق شدند مخفیگاه متهم را شناسایی و او را در جریان یک عملیات غافلگیری بازداشت کنند. مأموران همچنین در بازرسی از مخفیگاه متهم اموال سرقت شده را کشف کردند. متهم در اولین بازجویی‌ها به سرقت طلایی اعتراف کرد. تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم ادامه دارد.

# سارقان چاقوهایشان را غلاف کردند اما دزد ماندند!

■ غلامرضا مسکنی

**دو سارق حرفه‌ای که پس از آزادی از زندان، دوباره به دنیای خلاف بازگشته‌اند، در گفت‌وگویی عجیب پرده از سال‌ها سرقت، توبه‌نامه‌ای برای ترک خشونت و همدستی با عاملان قتل دانشجوی کوی دانشگاه تهران برداشتند. یکی از متهمان می‌گوید: «چاقوهایمان را انداختیم توی سطل زباله اما راه نان درآوردن‌مان هنوز همین است!»**

چندی قبل گزارش‌های متعدد از سرقت‌های خشن در شمال و مرکز تهران به مأموران پلیس رسید. یکی از شاکیان گفت: «هوا تازه تاریک شده‌بود و من از محل کارم بیرون آمدم تا به خانه بروم. هنوز چند قدمی مانده بود به خیابان اصلی، صدای موتورسیکلتی از پشت سر شنیدم. موتورسیکلت دو سرنشین داشت و دوری زدند و راه مرا سد کردند و از موتورشان پیاده شدند. متوجه شدم در تاریکی شب و خلوتی کوچه در دام زورگیرانی گرفتار شده‌ام. راه فرار نبود، اما فکر نمی‌کردم سارقان علاوه بر سرقت تلفن همراه و اموالم مرا به باد کتک بگیرند. دو مرد جوان که نقاب به صورت داشتند، وقتی فهمیدند من قصد دارم به داخل خیابان فرار و درخواست کمک کنم، مرا به شدت کتک زدند به طوری که از درد به خود می‌پیچیدم و پس از سرقت هم مرا به همان حال و روز رها و به سرعت فرار کردند.»

### ■ نقاب از صورت افتاد

با طرح شکایت مرد جوان، تحقیقات از سوی مأموران اداره هجدهم پلیس آگاهی آغاز شد و خیلی زود مشخص شد پای دو موتورسوار نقابدار در میان است، سارقانی که در سکوت، تاریکی و سرعت، اموال قیمتی طعمه‌هایشان را به زور می‌گیرند. بررسی‌ها نشان داد این دو سارق حرفه‌ای، با پوشاندن شماره پلاک موتور و استفاده از ماسک بهداشتی، ردپایی از خود به جا نمی‌گذارند. قربانیان اغلب رهگذران تنها در کوچه‌پس‌کوچه‌ها بودند، کسانی که موبایل، کیف یا لپ‌تاپ همراه داشتند. سارقان زورگیر شیوه ابتدایی‌شان زورگیری بدون درگیری بود، اما وقتی کسی مقاومت می‌کرد، با ضرب و شتم شدید آنها مواجه می‌شد تا بتوانند نقشه‌شان را عملی کنند. سارقان همچنان در تاریکی شب می‌تاختند و هر روز به شاکیان آنها افزوده می‌شد، اما حرفه‌ای بودند و هیچ ردی از خود به جای نمی‌گذاشتند تا اینکه در یکی از آخرین سرقت‌ها، نقاب از چهره یکی از سارقان افتاد و همین موضوع سرنخی برای شناسایی و دستگیری آنها شد. مالباخته، تصویری دقیق از چهره او را برای چهره‌نگاری ارائه داد و پلیس توانست با بررسی بانک اطلاعات مجرمان سابقه‌دار، هویت یکی از آنها را شناسایی کند. از سوی دیگر دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه هم گواه بر سابقه‌دار بودن سارقی داشت که نقاب از صورتش افتاده‌بود.

متهم احسان نام داشت و بررسی پرونده‌اش نشان داد او مدتی قبل همراه سارق سابقه‌دار دیگری به نام کیوان از زندان آزاد شده‌اند. همه‌چیز روشن شد و راز سرقت‌های سریالی احسان و کیوان در تاریکی شب‌ها فاش شد و دو متهم تحت تعقیب قرار گرفتند. مأموران در ادامه، پاتوق‌های احتمالی سارقان را که سال‌ها سابقه کیف‌قاپی و موبایل‌قاپی در پرونده‌شان بود، به صورت نامحسوس تحت‌نظر گرفتند و سرانجام در عملیاتی غافلگیرانه دو متهم را دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند.

دو متهم در بازجویی‌ها به سرقت و زورگیری‌های سریالی اعتراف کردند. تحقیقات از متهمان برای مشخص شدن سرقت‌های احتمالی و شناسایی دیگر شاکیان از سوی مأموران پلیس ادامه دارد.

**گفت‌وگو با متهم**

### ■ توبه‌نامه‌ای برای کنار گذاشتن چاقو!

احسان که چندین سابقه کیفری در پرونده‌اش ثبت شده، مدعی شد او و همدستش سال‌ها پیش، همدست عاملان قتل دانشجوی کوی دانشگاه تهران بوده‌اند و در تیم‌های مشترک دست به سرقت‌های خشن می‌زده‌اند. او می‌گوید: «وقتی شنیدیم آنها توی یک خفت‌گیری مرتکب قتل پسر دانشجویی شدند و حالا یکی‌شان پای چوبه‌دار است، ترسیدیم. از آن موقع با خودمان عهد بستیم دیگه چاقو دست نگیریم. حتی توبه‌نامه نوشتیم و امضا کردیم که فقط بدون چاقو دزدی کنیم!»

**چطور وارد دنیای سرقت شدید؟**

درست به خاطر ندارم، اما سرقت‌های ما از سال‌ها قبل شروع شد. در واقع دوستی من و کیوان از روزی شروع شد که هر دو جذب باند سرقت شدیم. معمولاً سرقت‌های به صورت دو به دو انجام می‌شد. یعنی چهار نفر با دو موتورسیکلت می‌رفتیم که دو نفرمان پوششی بودیم و دو نفر هم اقدام به سرقت می‌کردیم. البته من و کیوان در سرقت‌ها همیشه زوج هم بودیم و پس از اینکه توبه‌نامه نوشتیم، از باند جدا شدیم و دو نفری سرقت می‌کردیم.

**توبه کردید و دوباره توبه شکستید؟**

توبه نشکستیم. ما توبه‌نامه را برای کنار گذاشتن چاقو نوشتیم.

**چرا؟**

قبلاً با تهدید چاقو خفت‌گیری می‌کردیم. آن موقع‌ها جزو سارقان خشن به‌حساب می‌آمدیم، اما از وقتی شنیدیم دوستانمان در جریان سرقت، دانشجویی را با چاقو کشتند، تصمیم گرفتیم برای همیشه قید چاقو را بزنیم.

توبه‌نامه نوشتیم و حتی امضا کردیم! نه اینکه کلاً خلاف را کنار بگذاریم، اما تصمیم گرفتیم هرگز سراغ چاقو نرویم. حادثه کوی دانشگاه تلنگر بزرگی بود. یکی از بچه‌ها که همدست‌مان بود، به خاطر قتل دانشجوی بی‌گناه در یک قدمی چوبه‌دار قرار دارد. الان که فکر می‌کنم، می‌بینم خدا خیلی به ما رحم کرد که در جریان سرقت‌های خشن‌مان مرتکب قتل نشدیم. من و همدستم خوشحالیم که چاقو را برای همیشه کنار گذاشتیم و توبه‌نامه نوشتیم.

**اما شما طعمه‌هایتان را تا مرز مرگ کتک می‌زدید، درست است؟**

نه آنقدر که می‌گویند، بزرگ‌نمایی شده‌است. اگر کسی مقاومت نمی‌کرد که اصلاً با او کاری نداشتیم و پس از سرقت اموالش رهایش می‌کردیم، اما اگر تلفن همراه یا کوله‌اش را نمی‌داد در حد یک سیلی به او می‌زدیم. قصدمان ترساندن طعمه بود و گرنه از عواقب درگیری با خبر بودیم و تلاش می‌کردیم در سرقت‌ها درگیر نشویم.

**پس شما توبه کامل نکردید؟**

ما خشونت را کنار گذاشتیم و پس از حادثه قتل دانشجو از سوی دوستمان، چاقوهایمان را ریختیم تو سطل آشغال تا وسوسه نشویم، اما سرقت را کنار نگذاشتیم.

**چرا عبرت نشد؟**

آدم سابقه‌دار کار دیگری از دستش ساخته نیست. بیکار هم که نمی‌توان نشست و مجبوریم دوباره همان راه خلاف را طی کنیم.

**با چه شگردی سرقت می‌کردید؟**

داخل خیابان‌ها و کوچه‌های خلوت پرسه می‌زدیم و وقتی مردی تنها را می‌دیدیم، نزدیکش می‌شدیم و موبایل یا کیفش را می‌زدیم. سریع سوار موتور می‌شدیم و فرار می‌کردیم.

**از زن‌ها هم دزدی می‌کردید؟**

نه، ما فقط از مردها سرقت می‌کردیم.

**حرف آخر؟**

امروز به همدستم گفتم وقتش شده واقعاً توبه کنیم. او هم قبول کرد. قول دادیم اگر این‌بار آزاد شدیم، برای همیشه از خلاف فاصله بگیریم.

## مرگ راننده در آتش‌سوزی پژو ۲۰۶

■ جلال مهرگان

**شامگاه پنج‌شنبه، جاده‌ای تاریک در آزادراه تهران-قم صحنه نمایشی هولناک از مرگ شد. خودروی پژو ۲۰۶، ناگهان از مسیر منحرف شد و با بلوک‌های سیمانی حاشیه جاده برخورد کرد و در دم واژگون شد، اما این پایان ماجرا نبود. شعله‌های آتش بی‌رحمانه از کاپوت بالا رفتند و خودرو در چند ثانیه به تله‌ای سوزان تبدیل شد.**

جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران به «جوان» گفت: دقایقی پیش از نیمه شب پنج‌شنبه، آتش‌نشانان دو ایستگاه با اعلام این حادثه به محل اعزام شدند. آنها در حالی به محل رسیدند که شعله‌ها خودروی سواری را دربر گرفته بودند و صدای انفجارهای پیاپی شب آزادراه را می‌لرزاند. راننده که به‌دلیل شدت برخورد، میان توده‌های درهم‌تنیده فلز و شعله گرفتار شده بود، آخرین تقلاهایش برای زنده ماندن در میان دود و آتش ناتمام ماند. تیم‌های امدادی با وجود تلاش بی‌وقفه برای خاموش کردن آتش و خارج‌سازی راننده، تنها توانستند پیکر نیم‌سوخته او را از میان کابین بیرون بکشند. تأیید مرگ راننده توسط اورژانس، این حادثه را به تراژدی دیگری از جاده‌های بی‌رحم تبدیل کرد، جاده‌هایی که هر شب در کمین جان انسان‌ها نشسته‌اند. علت این حادثه از سوی کارشناسان پلیس در دست بررسی است.

## مرگ فعال محیط‌زیست در آتش‌سوزی جنگل

**یکی از فعالان محیط‌زیست که در آتش‌سوزی جنگل آبیدر سنندج دچار سوختگی شده بود روز گذشته در بیمارستان فوت شد.**

بهزاد شریفی‌پور، مدیرکل منابع طبیعی کردستان گفت: حمید مرادی از فعالان محیط‌زیست بود که در حادثه آتش‌سوزی آبیدر سنندج دچار سوختگی شدید و به مرکز درمانی منتقل شد. او همراه تعدادی دیگر از فعالان محیط‌زیست برای مهار آتش‌سوزی به ارتفاعات آبیدر رفته بود که به دلیل تغییر ناگهانی جهت وزش باد و دمای بالای هوا در حلقه آتش گرفتار شدند. در این حادثه، هشت نفر از فعالان محیط‌زیست مصدوم شدند که دو نفر به صورت سرپایی مداوا و ترخیص شدند. از شش مصدوم باقی مانده حمید مرادی فوت کرد، دو نفر دیگر هم‌اکنون در بخش مراقبت‌های ویژه سوختگی بستری هستند و سه نفر هم در بخش داخلی تحت درمان قرار دارند. مدیرکل منابع طبیعی کردستان با بیان اینکه این حادثه موجب تأثر عمیق جامعه محیط‌زیست استان شده است، تصریح کرد: طی روزهای اخیر به دلیل گرمای شدید هوا و وزش بادهای گرم در استان، خطر آتش‌سوزی در مراتع و جنگل‌ها افزایش یافته و نیازمند هوشیاری و مشارکت همگانی مردم در پیشگیری از وقوع این حوادث تلخ هستیم.

## بازداشت سارق سابقه‌دار با شلیک گلوله

**مجرم سابقه‌دار لحظاتی بعد از سرقت در خیابانی در شهر زیبای تهران در جریان تعقیب و گریز با پلیس با شلیک گلوله بازداشت شد.**

به گزارش «جوان»، سرهنگ محمد افشار، سرکلانتر دوم پلیس پیشگیری گفت: دو روز قبل مأموران گشت کلانتری ۱۳۳ شهرزیبا در حال گشت‌زنی در خیابان‌های اطراف بودند که متوجه شدند سارقی در حال باز کردن در خودروی سواری پراید پارک شده کنار خیابان است که برای بازداشت وی وارد عمل شدند. متهم با دیدن پلیس سوار خودروی خود شد و از محل فرار کرد. بعد از آن بود که عملیات تعقیب و گریز به جریان افتاد و مأموران به متهم فرمان ایست دادند، اما وقتی متهم به هشدار پلیس توجهی نکرد، مأموران به سمت خودرو تیراندازی و خودرو را متوقف کردند. همزمان با دستگیری متهم، مأموران در بازرسی از خودرو، لوازم زیادی را که متهم به تازگی سرقت کرده بود کشف کردند. متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی به این شیوه اعتراف کرد. بررسی‌ها نشان داد متهم مجرم سابقه است که تحقیقات برای کشف جرائم او ادامه دارد.

## ۴۸ کشته در سقوط هواپیمای مسافربری روسیه

**۴۸ سرنشین هواپیمای مسافربری روسیه در سقوط این هواپیما در شرق روسیه جان باختند.**

روز پنج‌شنبه مقام‌های روسیه اعلام کردند هواپیمای مسافربری از شهر بلاگووشچنسک، مرکز استان آمور روسیه در مرز چین به سمت شهر تیندا در همین استان پرواز کرده‌بود که ناپدید شد. براساس گزارش‌های اولیه این هواپیما متعلق به شرکت هواپیمایی سیبریایی به نام «آنگارا» بود که ۴۸ سرنشین و خدمه داشت و امدادگران بعد از جست‌وجو لاشه هواپیما را در فاصله‌ای نزدیک به ۱۶ کیلومتری از مقصد خود پیدا کردند که مشخص شد همه ۴۸ نفر جانشان را از دست داده‌اند. براساس گزارش‌های اولیه، پنج کودک میان مسافران حضور داشتند. طبق گزارش‌های اولیه، علت احتمالی حادثه یا به خطای انسانی ناشی از وضعیت بد جوی بازمی‌گردد یا به نقص فنی؛ این موضوع در حال بررسی است. هواپیمای مورد نظر، از نوع آنتونوف ۲۴ بوده که گفته می‌شود حدود نیم قرن عمر و پیش‌تر نیز سابقه بروز مشکلات فنی را داشته‌است.

**یادداشت**

## آزمون انسجام ملی پس از جنگ تحمیلی

حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

۴۰ روز از آغاز جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اسرائیل با پشتیبانی مستقیم امریکا و همراهی آشکار قدرت‌های غربی می‌گذرد. جنگی که نه‌تنها یک رویارویی نظامی تمام‌عیار بود، بلکه آشکارا آزمونی برای انسجام، همبستگی و تاب‌آوری مردم ایران محسوب شد. در طول جنگ تحمیلی، مردم کنار نهادهای امنیتی و نظامی ایستادند؛ از مشارکت در کارزارهای مردمی گرفته تا مقابله با عملیات روانی دشمن نقش فعال ایفا کردند. آنچه قدرت مقاومت را در این جنگ پیچیده ممکن ساخت، «اعتماد متقابل مردم و نظام» بود؛ سرمایه‌ای که حالا بیش از هر زمان دیگری نیازمند محافظت، ترمیم و تقویت است. در جریان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، انسجام ملی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه پایداری اجتماعی و دفاع ملی، نقشی بی‌بدیل ایفا کرد. دشمن با تکیه بر ابزارهای نظامی، روانی و رسانه‌ای قصد در هم شکستن جبهه داخلی را داشت، اما پیوند عمیق مردم با ارزش‌های دینی، ملی و هویتی، نقشه‌ها را نقش بر آب کرد. رهبری هوشمندانه و وحدت‌آفرین فرمانده کل قوا در جریان این اتفاق توانست تهدید را به فرصتی برای بازسازی سرمایه اجتماعی تبدل کند. در این مدت رسانه‌های رسمی و جریان‌های آگاهی‌بخش مردمی با اطلاع‌رسانی به‌موقع، مانع شایعه‌پراکنی و جنگ روانی دشمن شدند و همزمان اعتماد عمومی به نیروهای مسلح و نهادهای امنیتی که سرمایه‌ای ارزشمند برای هماهنگی میان دولت و ملت فراهم شد. همزمان فرارسیدن ایام محرم آوردگاهی برای حضور ملت در پیوند تاریخی با جبهه مقاومت شد. حضور میدانی داوطلبان مردمی، هیئت‌های مذهبی، گروه‌های امدادی و بسیج محله‌ای همبستگی اجتماعی را به سطحی بی‌سابقه رساند. از دیگر سو، اجماع جناح‌های سیاسی و نخبگان اجتماعی بر سر اصل «دفاع از تمامیت ارضی و کرامت ملی و اسلامی» تنش‌های داخلی را به حداقل رساند، در نهایت، انسجام ملی نه‌فقط به‌عنوان یک احساس همبستگی، بلکه به‌عنوان یک زیرساخت امنیت‌ساز در دل بحران عمل کرد و نشان داد امنیت پایدار، بیش از آنکه به تجهیزات وابسته باشد، از دل همصدایی و همدلی می‌جوشد.

پس از آتش‌بسی که به التماس غرب برقرار شد، بسیاری از مسئولان و نهادها بر طبل حفظ انسجام ملی کوبیدند؛ شعاری درست که اگر بدون اقدام باشد، بی‌اثر خواهد بود. باید در نظر داشت انسجام ملی با سخنرانی و توصیه به‌دست نمی‌آید، بلکه به اقدامات عملی، صادقانه و رویکردهایی دشوار بستگی دارد، خصوصاً اینکه با فاصله گرفتن از بحران جنگ این پرسش در بدنه اجتماعی مطرح می‌شود که ساختار قانونی برای صیانت از این انسجام می‌خواهد چه کند؟ یکی از مهم‌ترین نشانه‌های صداقت در این مسیر، انتخاب و انتصاب چهره‌هایی است که در حافظه عمومی، بار منفی نداشته باشند، از همین‌رو، بازگرداندن امام‌جمعه‌ای که خانواده‌اش در گیر پرونده‌های مالی بوده‌اند، اقدامی است که مستقیماً با مطالبه اجتماعی برای شفافیت، عدالت و صداقت در تضاد است. چگونه می‌توان انتظار داشت ملتی زخم‌خورده از جنگ، به‌سوی همدلی حرکت کند، وقتی می‌بیند افرادی با گذشته مسئله‌دار بار دیگر به تریبون رسمی بازمی‌گردند؟ جامعه این بازگشت را نه نشانه ثبات و اطمینان، بلکه علامتی از تحقیر افکار عمومی و نادیده‌گرفتن مطالبات بر حق خود تلقی می‌کند وقتی پاداش سوابق مسئله‌دار، تریبون رسمی می‌شود، چه پیامی به جامعه داده می‌شود؟ باید در نظر داشت پاک‌سازی سطوح بالای مدیریت از چهره‌های مسئله‌دار؛ شفافیت و سلامت مسئولان مهم‌ترین عامل در تقویت سرمایه اجتماعی است از همین‌رو ساختار قانونی باید انسجام ملی را نه به عنوان ابزار، بلکه به عنوان هدف بپذیرد و برای حفظ و پیشبرد آن اقدام‌های عملی را صورت دهد.

## ۲ کشته در تصادف سواری با کامیون

**دو سرنشین سواری در تصادف با کامیون در محور دانسفهان به بویین زهرا کشته و دو نفر هم زخمی شدند.**

ساعت ۸:۵۰ صبح جمعه مأموران پلیس و امدادگران از سانحه رانندگی در محور دانسفهان به بویین زهرا روبه‌روی روستای نوده در استان قزوین باخبر و در محل حاضر شدند.

بررسی‌ها نشان داد تصادف بین سواری و کامیون رقم خورده است و در جریان آن نیز دو نفر از سرنشینان خودروی سواری به دلیل شدت جراحت فوت و دو نفر دیگر هم به شدت مجروح شده‌اند که به بیمارستان منتقل شدند.

دکتر یوسف اکبری، رئیس اورژانس استان قزوین گفت: علت حادثه از سوی پلیس در دست بررسی است.

## سارقان سوخت خودروهای سنگین بازداشت شدند

**جانشین فرمانده انتظامی زابل از دستگیری سارقان سوخت خودروهای سنگین در این شهرستان خبر داد.**

سرهنگ علی‌اکبر حبیبی‌فر گفت: همزمان با طرح شکایت‌های مشابه درباره سرقت سوخت از خودروهای سنگین در جاده‌های بین‌شهری توسط سرنشینان یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵، موضوع در دستور کار مأموران پلیس قرار گرفت. جانشین فرمانده انتظامی شهرستان زابل گفت: در بررسی مأموران پلیس مشخص شد سارقان سه نفر هستند که رانندگان کامیون را به بهانه خرید سوخت به مکان‌های خلوت می‌کشانند و پس از تخلیه سوخت و تهدید آنها با یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ پلاک مخدوش از محل متواری می‌شوند. این مقام انتظامی تصریح کرد: با اقدامات تخصصی و فنی، هر سه سارق شناسایی و حین سرقت سوخت از یک کامیون بازداشت شدند. این متهمان در تحقیقات تکمیلی به هشت فقره سرقت سوخت اعتراف کردند و پس از تشکیل پرونده تحویل مرجع قضایی شدند.